

زنان پیامبر اکرم (ص)
و
زنان با پیامبر اکرم (ص)



The Wives of the Holy Prophet (pbuh)
and Other Women in his Life

تألیف: دکتر مرضیه محمدزاده

تهران ۱۳۹۳

RELIGION

محمدزاده، مرضیه، ۱۳۳۷-
زنان پیامبر اکرم (ص) و زنان با پیامبر اکرم (ص)/ تألیف مرضیه محمدزاده؛ ترجمان: زمان چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.
۴۴۰ ص.
ISBN 978 - 964 - 422 - 831 -
The Wives of the Holy Prophet (pbuh) and Other Women in his Life
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
پشت جلد به انگلیسی:
چاپ اول ۱۳۹۳.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. ۲. زنان. ۳. زنان مسلمان. ۴. سرگذشتنامه الف. ایران. سازمان چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۹۷/۹۷۲
BP ۲۶/ م ۲۷/ ۹
۱۳۹۳
کتابخانه ملی ایران
۳۴۵۳۱۰۷



سالمان چاپ و انتشارات
وابسته به اوقاف و امور خیریه

زنان پیامبر اکرم (ص) و زنان با پیامبر اکرم (ص)

The Wives of the Holy Prophet (pbuh)
and Other Women in his Life

تألیف: دکتر مرضیه محمدزاده

طراح جلد: سعید ارونقی
حروف چین: شیوا ناطقی
نمونه خوان: محمد تحریرچی
برچاپ: علی فرازنده خالدی

لیتوگرافی چاپ: صافی: [Logo] سازمان چاپ و انتشارات
وابسته به اوقاف و امور خیریه

چاپ دوم بهار ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در محضار
سازمان چاپ و انتشارات است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۲-۸۳۶-۰

ISBN: 978 - 964 - 422 - 836 - 0

چاپخانه، انتشارات، پخش و فروشگاه:

کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج، نبش سه راه شیشه مینا، تهران ۱۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲، نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵، انتشارات و فروشگاه: ۴۴۵۱۳۰۰۱
تلفن پخش: ۴۴۵۱۴۴۱۱، تلفکس پخش: ۴۴۵۲۵۴۹۹

پخش و فروشگاه شماره ۲:

پخش فرهنگ: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان اردیبهشت، خیابان لبافی نژاد به طرف کارگر،
جنب اغذیه فروشی، شماره ۲۶۶، واحد ۵، تلفن: ۰۹۱۲۲۱۱۳۵۵۴، ۶۶۴۸۲۱۵۰

کتابفروشی جمهوری: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان شهید کلاهدوز، شماره ۱۵۷۱، تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

نشانی سایت اینترنتی:
www.chapnashr.ir

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه استاد دکتر مهدوی دامغانی
۱۵	پیشگفتار
۴۰	فصل اول: زنان پیامبر اکرم (س)
۴۸	حضرت خدیجه بنت خویلد (س)
۷۲	سوده بنت زمعه
۷۵	عایشه بنت ابی بکر
۱۱۱	حفصه بنت عمر
۱۱۸	زینب بنت خزیمه
۱۱۹	ام سلمه بنت ابی امیه
۱۳۹	جویریة بنت حارث
۱۴۱	زینب بنت جحش
۱۵۴	ام حبیبہ بنت ابی سفیان
۱۵۷	صفیه بنت حبیبی
۱۶۱	میمونه بنت حارث
۱۶۴	ماریه قبطیه
۱۶۷	ریحانه بنت یزید

۱۶۹	فصل دوم: زنان با پیامبر اکرم (ص)
۱۷۱	بخش اول: مادر و دایه پیامبر اکرم (ص)
۱۷۱	آمنه (س) بنت وهب
۱۷۵	حلیمه سعدیه
۱۸۱	بخش دوم: دختران پیامبر اکرم (ص)
۱۸۱	زینب
۱۸۵	رقیه
۱۸۷	ام کلثوم
۱۸۸	حضرت فاطمه (س)
۲۳۸	بخش سوم: زنان صحابی پیامبر اکرم (ص) (مهاجرین)
۲۳۸	اروی بنت عبدالمطلب
۲۴۱	اسماء بنت ابی بکر
۲۴۷	اسماء بنت عمیس خثعمی
۲۵۴	ام ایمن بنت ثعلبه
۲۵۹	ام حکم بنت زبیر
۲۶۰	ام خالد بنت خالد بن سعید
۲۶۲	ام رومان بنت عامر
۲۶۳	ام شریک بنت جابر
۲۶۶	ام فضل بنت حارث
۲۷۰	ام قیس بنت محصن
۲۷۱	ام کلثوم بنت عقبه
۲۷۴	ام معبد بنت خالد
۲۷۶	ام هانی بنت ابی طالب

۲۷۹	امیه بنت ابی صلت
۲۸۰	حمنه بنت جحش
۲۸۳	خوله بنت حکیم بن امیه
۲۸۶	زینب بنت عبدالله
۲۸۷	سلمی، ام رافع
۲۸۸	سلمی بنت عیس
۲۸۹	شفاء بنت عبدالله
۲۹۱	شفاء بنت عوف
۲۹۲	صفیه بنت عبدالمطلب
۲۹۸	ضباعه بنت زبیر
۲۹۹	عاتکه بنت عبدالمطلب
۳۰۱	فاطمه بنت اسد(س)
۳۰۵	فاطمه بنت خطاب
۳۰۸	فاطمه بنت یمان
۳۰۹	هند بنت اثاثه
۳۱۰	بخش چهارم: زنان صحابی پیامبر اکرم(ص) (انصار)
۳۱۰	اسماء بنت یزید بن سکن
۳۱۵	ام اسلم
۳۱۶	ام ایوب انصاری
۳۱۹	ام حرام بنت ملحان
۳۲۱	ام حصین احمسیه
۳۲۲	ام حمید انصاری
۳۲۳	ام خارجه
۳۲۴	ام درداء بنت ابی حدرد
۳۲۵	ام رعله قشیریہ

۳۲۶	ام سلیط
۳۲۷	ام سلیم بنت ملحان
۳۳۳	ام سنان اسلمی
۳۳۵	ام شریک بنت انس
۳۳۶	ام عطیه انصاری
۳۳۸	ام عقیله ابی
۳۳۸	ام عقیله ابی
۳۳۹	ام عاتقه بنت حارث
۳۴۰	ام عماره بنت شعب
۳۴۵	ام مبشر بنت بلال
۳۴۶	ام محجن
۳۴۷	ام منذر بنت قیس
۳۴۹	ام منیع بنت عمرو
۳۴۹	ام ورقه بنت عبدالله
۳۵۰	ام هشام بنت حارثه
۳۵۱	جمیله بنت عبدالله بن ابی
۳۵۳	حواء بنت زید
۳۵۴	حولاء
۳۵۵	خلاده بنت انس
۳۵۹	خلیده بنت قیس
۳۶۰	خنساء بنت خذام
۳۶۱	خوله بنت ثامر
۳۶۱	خوله بنت ثعلبه
۳۶۳	خوله بنت حکیم
۳۶۳	دختر خباب بن ارت
۳۶۴	رباب بنت نعمان

۳۶۵	ربیع بنت معوذ
۳۶۷	سخطی بنت قیس
۳۶۷	سمیراء بنت قیس
۳۶۹	شموس بنت ابی عامر
۳۷۰	قبیله انماریه
۳۷۱	کبش بنت ثابت
۳۷۲	کعبه بنت سعدا سلمیه
۳۷۲	لیلی انماریه
۳۷۳	نوار بنت مالک
۳۷۴	نویله بنت اسلم
۳۷۵	هند بنت عمرو
۳۷۷	اولین بانوی شهید اسلام - سمیه بنت خیاط
۳۷۹	نتیجه گیری
۳۸۷	فهرست منابع و مآخذ
۴۰۹	فهرست نمایه ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله على نعمته والصلوة والسلام على خير البریه محمد وآله.

در مآخذ و منابع ریختن اسلام که به زبان عربی تألیف شده است، از دیرباز به سهم ارزشمند خدمت‌رسانی و پیشگامی بانوان به ریاضت حضرت ختمی مرتبت توجه شده است. به عنوان نمونه در کتاب‌های طبقات محمد بن سعد و استیعاب ابن عبدالبر و اسد الغابه ابن اثیر و اصابه ابن حجر بخش عمده‌ای از کتاب ویرنگ شدن شرح حال و پیشگامی بانوان در گرایش به آیین مقدس اسلام است و به راستی بسیار آسان شده فراهم است. ابلاغ الطاف ویژه خداوند متعال نسبت به حضرت خدیجه که همراه با درویش و غنی جبریل به آن بزرگ بانوست نشانی از منزلت او در پیشگاه خداوند است (بنگرید، ابن عبدالبر، استیعاب و ابن اثیر، اسد الغابه) و برای آگاهی از فداکاری و شیفته‌گی و خدمت‌های بسیار ارزنده اش (بنگرید، محمد بن سعد، طبقات، جلد ۸ که با شرح حال خدیجه (س) آغاز شده است).

شرح از جان گذشتگی و مهرورزی فزون از شمار گل بانوی اسلام حضرت فاطمه دختر اسد که همسر حضرت ابوطالب و مادر حضرت امیر (ع) است در منابع عربی و سبیل آمده است، آن بزرگوار در هجرت از مکه به مدینه تمام راه را پیاده و به گفته برخی با پای پیاده بوده است (سبیل ابن جوزی، تذکرة الخواص و خوارزمی، مناقب) برای آگاهی از تریس حضرت ختمی مرتبت در مرگ فاطمه بنت اسد و گفتار آن حضرت که او برای من مادر بود و انجام کارهایی مخصوص در مرگ او و برای نمونه دراز کشیدن در گور و ابراز عواطف و اعطای عمامه و پیراهن خود برای کفن آن بزرگوار (بنگرید: مجلسی، بحار، ج ۳۵).

شرح حال حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا و حضرت زینب و دو دختر دیگر رسول

خدا (ص) در منابع سده سوم به تفصیل آمده است و همین گونه است شرح زندگی و مکارم اخلاقی همسران حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیه.

حسن مدیریت خانواده و روش پسندیده شوهرداری بانوی گرامی اسماء دختر عُمیس که سه پسر خود از جناب جعفر طیار و پسر دیگر خود از ابوبکر و دو پسر و یک دختر خود را از حضرت امیر چه نیکو تربیت کرد (بنگرید، ابن ابی الدنیا، مقتل امیر المؤمنین) و به هنگام رحلت علی علیه السلام و حضرتش یردامان اسماء بود و نقل روایت حضور حضرت ختمی مرتبت و حمزه و حضرت صدیقه طاهره در آن ساعت بر بالین آن مظهر ایمان و ولایت (بنگرید، زمخشری، ربيع البراء، ج ۵، ص ۲۰۸)، کوشش بانوانی چون ام عطیه در خدمت به زندگان و مردگان از بانوان، عهد ربودن و غسل پیکر حضرت زینب دختر گران قدر رسول خدا را، پرستاری و زخم بندی او، نازان سلمان را در غزوات (بنگرید، محمد بن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۳۳۳) همه و همه در کتاب آورده و نقل پذیر است.

صدها نمونه از این سوابق به نوشتن در کتاب های مرجع تاریخ صدر اسلام آمده است و دشواری کار در این است که عموم این کتاب ها به زبان عربی است و آثار نوشته شده به زبان فارسی اندک است و گزینه هایی هم که فراهم آمده است بخش کوچکی را عرضه می دارد.

هنر ارزنده و سرسپردگی غرور آفرین بانوی دینمند و فرهیخته دین باور و سخت کوش نستوه سرکار خانم دکتر مرضیه محمدزاده در این کتاب فراهم آوردن شرح حال و ارزش های اخلاقی و نشان دادن اخلاص چند طبقه از بانوان فرخنده نخستین اسلام و سده های هجری است. بسنده نکردن ایشان به یک گروه به این کتاب ارزشی ویژه داده است. مرجع دقیق به سیصد منبع و مرجع عربی و فارسی که نموداری از احاطه ایشان در شناخت منابع اولیه است و بهره برداری از آراء شیعیان و اهل سنت و گزینش مطالب استوار همراه با مراجعه به منابع کتاب های به زبان انگلیسی این کتاب را آراسته است و به ایشان عرض می کنم.

«مریزاد دستی که مرمخلصان را دوی دل و راحت جان رساند»

فراوانی کارهای پژوهشی سرکار خانم دکتر محمدزاده در راه عرض ادب و ادای وظیفه نسبت به امامان معصوم شیعه صلوات الله علیهم اجمعین، فراهم آوردن کتاب هایی چون «بانوی آفتاب» و «شهیدان جاوید» و «دوزخیان جاوید» و کتاب بسیار جامع «دانشنامه شعر عاشورایی» در یک هزار و هشتصد صفحه به قطع مصری همگی نشان از توفیقی است که حضرت حق

تعالی شانه به این بنده خوب خود ارزانی فرموده است «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء». این بنده خود را درخور نوشتن این گونه نوشته ها و تعریف کارهای ایشان نمی بینم اما گمان نیک و دستور ایشان مرا براین کار واداشت. امیدوارم توفیق بندگی و آثار آن هرروز بیش تراز گذشته نصیب ایشان گردد. خداوند متعال دیده این گرمی را همواره روشن و ایشان را از گزند روزگار در پناه خود محفوظ بدارد بمنّه و کرمه.

کمترین بنده درگاه نبوی

محمود مهدوی دامغانی

مشهد مقدس

۱۳۹۲/۷/۲۲ - ۱۴۳۴/۱۲/۸

۱۴ اکتبر ۲۰۱۲

www.ketab.ir

اسلام به انسان بودن مرد و مرد در آفرینش از دیدگاهی واحد می‌نگرد و هر دو را به تحرک و سازندگی فرا می‌خواند. خداوند در قرآن کریم به زن نیز همانند مرد خطاب می‌کند و در عقیده و مسئولیت او را همانند مرد می‌داند و در ارزش‌های انسانی و روحی یکسان می‌شمارد.

در اندیشه دینی - انسانی زن و مرد دارای جایگاه یکسانی هستند. از همان ابتدا خداوند در برابر تمامی ملائکه اعلام می‌شد: ﴿إِن جَاءَكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَاتٌ بِأَمْرٍ مِنْ رَبِّكَ فَاقْبَلْهُ﴾ و آیات بعدی از تعلیم اسماء به آدم و سپس سجده ملائکه به او می‌دهد: ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را به آدم آموخت. تعلیم اسماء نیز که دلیل شایستگی آدم برای خلافت است، مختص او نخواهد بود و این دانش در انسان‌ها اعم از زن و مرد به ودیعه نهاده شده است، زیرا محور تعلیم و تعلیم نفس انسان است نه بدن او و در این باره بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. همچنین از همان ابتدا زن مستحق بردوش کشیدن این امانت الهی بر عهده انسان نهاده می‌شود و بی‌تردید حمل این امانت هر زن و مرد را در بر می‌گیرد، شامل زن نیز می‌شود.

اگر به دقت به سیمای زن در قرآن نگریسته شود، دو جایگاه را می‌توان یافت: جایگاه اول مشترک و عمومی، دوم اختصاصی. درباره جایگاه مشترک نمی‌توان استثنایی برای زن یافت و در این بخش عملکرد زن و مرد یکسان است. قرآن همواره از نقش انسان به صورت کلی در این

جایگاه سخن می‌گوید، اما نقش ویژه و اختصاصی زن که یکی از زمینه‌های تکامل بشر است، ادامه نسل می‌باشد: «يَسَاؤُكُمْ حَزَنُ لَكُمْ فَأَتُوا حَزَنَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ»^۱ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستید؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بهره‌یزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد.

به عبارت دیگر نه فقط تکوین جسم جنین که حلول روح او نیز در رحم زن صورت می‌پذیرد و اگر زنده باشد، نسل آدمی منقطع می‌گردد.

برپایی عدالت به عنوان مهم‌ترین بنیان بعثت انبیاء و ارسال رسل بردوش ناس نهاده شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا فِي سِيَرَاتِنَا أَنْذِرُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ»^۲ ما رسولان خود را با دلایل روشن رسالیم، آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردمان را به عدالت کنند. بنابراین از نظر قرآن نقش اجتماعی زن در برپایی عدل و داد، همچون مرد است.

قرآن کریم زن و مرد را با این اوصاف و صفات توصیف و موقع آنان را مساوی و معادل یکدیگر تبیین کرده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۳ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیب و زنان صابرو شکیب، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان با عمل کرده و زنان اتفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

۱. بقره / ۲۲۳.

۲. حدید / ۲۵.

۳. احزاب / ۳۵.

در آیات دیگر قرآن نیز که مربوط به خلقت زن و مرد است، همواره جنسیت را از حریم ذات و ماهیت انسانی آن دو خارج دانسته و هرگز مردانگی و زنانگی را موجب تمایز نوع انسانی ندانسته است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾^۱ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک نفس واحد آفرید.

﴿وَالَّذِي تَعَلَّكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾^۲ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد.
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾^۳ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.

آیات محققان نشان می‌دهد که جنسیت در حقیقت و ذات انسان راهی ندارد و مرد و زن از نفس واحد متولد می‌شوند و از یک گوهر آفریده شده‌اند. به عبارتی در تمامی آیات قرآن مربوط به خلقت زن و مرد همواره جنسیت را از حریم ذات و ماهیت انسانی آن دو خارج دانسته و هرگز مردانگی و زنانگی را موجب تمایز نوع انسانی ندانسته است؛ و به تعبیر ابوعلی سینا، نمی‌توان زن و مرد بودن را دو فصل یا دو صفت ذاتی انسان دانست. به این ترتیب بر اساس تعالیم اسلامی زن یا مرد بودن هیچ کدام مایه شرافت و افتخار و بزرگواری نیست، بلکه ملاک تقوا و عمل صالح است:

﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۴ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.
﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَرْزُقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۵
هر کس عمل صالحی (کار شایسته‌ای) انجام دهد، اعم از آنکه مرد باشد یا زن، در صورتی که مؤمن باشد، وارد بهشت جاویدان می‌شوند و در آن روزی بی حساب به آن‌ها داده خواهد شد.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُخَوِّضَهُ حَيَاةَ طَيِّبَةٍ وَفَلَنُجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۶ هر کس عمل صالح انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است،

۱. نساء / ۱.

۲. نحل / ۱۳.

۳. حجرات / ۱۳.

۴. حجرات / ۱۳.

۵. مؤمن / ۴۰.

۶. نحل / ۹۷.

او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی خواهیم داد، که انجام می‌دادند.

آیات یاد شده نمایانگر آن است که زن و مرد بودن هیچ نقشی در تعیین ارزش‌ها و برتری یکی بر دیگری ندارد، بلکه شرط برتری و کرامت انسان‌ها تقوا و عمل صالح است.

علاوه بر آیات قرآن، بسیاری از روایات و احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام نیز نمایانگر اکرام زن است. برای نمونه:

پیامبر خدا (ص) روایت شده است که "مِنْ اخْلَاقِ الانبياءِ حُبُّ النِّسَاءِ" از اخلاق پیامبران عفت و محبت به زنان است.

و فرمود: "ما من دنياكم الا النساء والطيب" از دنیای شما چیزی را جز زن و بوی خوش دوست نداریم.

و فرمود: "والله اعلم عيناكم فلا تضاروهن ولا تعضلوهن" همانا زنان در نزد شما مردان امانات الهی هستند پس بر آن‌ها ستم نکنید.

و فرمود: "خيركم خيركم نسائهم و ائمتكم" بهترین شما آن است که بهترین برخورد را با زنان و دختران خود داشته باشد.

و فرمود: "ما اكرم النساء الا كريم" زنان را اکرام نکرد مگر مرد بزرگوار و به آنان اهانت نمود مگر شخص فرومایه.

امام صادق (ع) نیز فرمود: "اکثر الخیر فی النساء" بیشترین خوبی‌ها در وجود زنان است.

متأسفانه به جای توجه به این زاویه دید و داوران قرین‌الکرم و به جای توجه به سیره

پیامبر اکرم (ص) و رفتار او با همسران، دختران و زنان صحابه، دین‌رگاری که مردم از شنیدن

خبر به دنیا آوردن دختر چهره‌شان سیاه و تباه می‌شد که چگونه به رنج‌هایی بزرگی را تحمل

کنند و دختران چند روزه را زنده در گور می‌کردند، به جای توجه به سیره و رفتار سیاسی و

اجتماعی خدیجه کبری و فاطمه زهرا سلام الله علیهما و به جای توجه به احادیث و روایاتی که

تماماً در تبیین شأن و شکوه زنان است، تعدادی روایات که در صحت آن‌ها از لحاظ مفهوم و

سند تردیدی جدی وجود دارد، تبدیل به جریان غالب اندیشه و نظر اسلام درباره زن می‌شود.

از سوی دیگر این نکته محوری کهن که زن باعث و بانی گمراهی مرد شده است، در آیین

اسلام از بنیاد شکل دیگری دارد. اگر آدم اغوا شده است، اغوای او ناشی از اغواگری حوا نبوده

است، بلکه هردوی آنان با هم لغزیدند و شیطان هردو را فریب داد: ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ﴾^۱ پس شیطان موجب لغزش آن‌ها از بهشت شد و آنان را از آن چه در آن بودند، بیرون کرد؛ ﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ﴾^۲ و شیطان هردو را وسوسه کرد.

نکته مهم‌تر که کم‌تر مد نظر قرار گرفته این است که در قرآن، خدای تعالی عصیان را به آدم نسبت داده و نه به حوا: ﴿وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾^۳ آدم پروردگار خویش را عاصی شد و راه گم کرد.

هر دو رسالت پیامبر اکرم (ص) و پس از آن نه تنها جایگاه انسانی زن و مرد تفاوتی نداشته، بلکه در حوزه مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که تلاشی انسانی است، زن و مرد هردو توانستند، همسان فعالیت کنند. آن حضرت برای زنان همچون مردان حتی در حاکمیت و حقیقت قائل بودند. سنت رسول‌الله (ص) نشانگر شرکت فعال زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف است. بیعت آن حضرت با زنان یکی از افتخارآمیزترین صفحات تاریخ اسلام است. به این ترتیب چون در حکم حکومت رسول‌الله (ص) شریک شدند.

زن و سیاست

قرآن به صراحت از قومی سخن می‌گوید که برای زنان فرمانروایی داشت و آن زن با حکمت و تدبیر، موجب هدایت و رستگاری قومش می‌شود. تصویر آنکه قرآن از ملکه سبا نشان می‌دهد، سرشار از نکات قابل توجه و عبرت‌آموز است. براساس این قرآنی نه تنها اصل حکومت او مورد تردید قرار نگرفته، بلکه جزئیاتی ذکر شده است که به گونه‌ای تأیید می‌شود که سبا تلقی می‌شود.

تأمل در آیات زیر بسیار مهم است:^۴

هدهد به سلیمان نبی (ع) گفت: ﴿أَخْطُتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ مَنِ مَثَلَهُمْ﴾ من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین "سبا" یک خبر تازه برای تو

۱. بقره / ۳۶.

۲. اعراف / ۲۰.

۳. طه / ۱۲۱.

۴. نمل / ۲۲-۴۲.

آورده‌ام!

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» من زنی را دیدم که بر آنان فرمانروایی می‌کند و همه چیز در اختیار دارد و از هر نعمتی برخوردار است و (به خصوص) تخت (حاکمیت) عظیمی دارد!

پس بلقیس حاکم سرزمین خود بود و خداوند از سلطنت او با عنوان عَرْش عظیم یاد می‌کند. «جَدُّهُ أَوْ قَوْمُهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَبِّكَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ الذِّبَالِ كُلِّ لَا يَسْمَعُونَ» او و قومش را دیدم که برای غیر خدا (خورشید) سجده می‌کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده و آن‌ها را از راه بازداشته و از این رو هدایت نمی‌شوند! همدردی در ره خردمندی پرستی ملکه سبا و قومش سخن می‌گوید و بدان تعریض دارد، اما فرمانروایی زن را تالیف مناقش تلقی نشده و امری غریب نبوده است.

سلیمان (ع) گفت: «تَنْفَرُوا أَهْلَ قَتِّ أَمْ كُنْتُمْ مِنَ الْكَاذِبِينَ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَيْتُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُمْ فَأَنْظَرُوا مَاذَا يَرِجُونَ» محقق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟ حال این نامه مرا ببر و بر آن بیفت؛ پس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) ببین آن‌ها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند!

چون نامه سلیمان (ع) به ملکه سبا رسید، گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ای بزرگان! نامه‌ای گرامی و پرارزش به سوی من افکنده شده است! این نامه از سلیمان است و چنین می‌باشد؛ خداوند بخشنده مهربان!

بلقیس نامه‌ای را که در واقع نوعی اخطار است، گرامی می‌شمارد. او نسبت به این نامه با تکریم برخورد می‌کند و نامه را کتاب کریم می‌خواند. گفته شده «بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در نامه بسیار مورد توجه و تفحص او قرار گرفته است.

بلقیس در اعمال حاکمیت از اصل مشورت و هزم به روشنی استفاده می‌کند. قرطبی این شیوه کار و اندیشه بلقیس را دلیل درستی امر مشاوره می‌داند.^۱

او خطاب به اشراف و بزرگان قوم خود گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» ای بزرگان! نظر خود را در این امر مهم به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمی را

بدون حضور و مشورت شما انجام ندادهام.

﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست؛ بنگر که چه فرمان می‌دهی!

﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آن جا را ذلیل می‌کنند؛ آری کار آنان همین گونه است و چنین کنند!

این داوری او درباره پادشاهان است. نکته قابل تأمل در داوری بلقیس این است که او فریفته ارتش خود نمی‌شود و به رغم نظر مشاوران و نظامیان خود که در برابر اخطار سلیمان از موضع احساسی تصمیم می‌گیرند، او با تدبیر و عقلانیت تمام سرانجام یورش پادشاهان را می‌بیند. موجب ویرانی و تباهی می‌شوند و کشور آبادش ویران می‌گردد. به تعبیر برخی مفسران، این تحلیلی که بلقیس درباره پادشاهان دارد، مورد تأیید خداوند است و عبارت «وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» سخن خداوند در باب سخن اوست.^۱

﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَا يَجْعَلُ الْمَلَأُ﴾ و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم) هدیه گران بهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فسادگاران من چه خبر می‌آورند (و از این طریق آنان را بیازمایم)!

این اقدام مدبرانه، کمال خردمندی او را نشان می‌دهد. و رسولانش گفت: چون نزدیک او شدید، اگر به خشم و کبر در شما نگریست، او پادشاه است. اما بی‌گشایی می‌توانیم بر او غلبه کنیم، اما اگر به رحمت و رأفت نگریست و با تواضع سخن گفت، او پادشاه است، پس سخن او را نیکو بشنوید.^۲

بدیهی است که پیرو اخطارنامه سلیمان (ع)، سفیران بلقیس با هدیه به حضور سلیمان (ع) برسند و به بررسی وضعیت سلیمان و حکومت او بپردازند و برخورد سلیمان را با هدیه بلقیس گزارش نمایند تا او بهتر بتواند نسبت به سلیمان (ع) شناخت پیدا کند.

۱. تفسیر طبری، ۵، ص ۵۵۹، ج ۶، ص ۳۵۷؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۹۳.

۲. تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۸، ص ۳۹۹.

سیوطی در تفسیر خود آورده است که بلقیس به فرستادگان خود گفت: اگر او هدایا را قبول کرد، پادشاه است و اگر رد کرد نبی است چون این هدیه در واقع نوعی رشوه است.^۱

﴿فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ يَهْدِيكُمْ تَفْرَحُونَ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِيْلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ هنگامی که فرستاده ملکه سبا نزد سلیمان (ع) آمد، سلیمان گفت: می خواهید مرا با مال کمک و یاری کنید؟ آن چه خدا به من داده، بهتر است از آن چه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه ها این خوشحال و شادمان می شوید! اکنون به سوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سوی آنان می آیم که هرگز قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلت و خواری بیرون برانیم!

سلیمان آن که گفت: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» ای بزرگان! کدام يك از شما تخت را برای من می آورد، پیش از آن که به حال تسلیم نزد من آیند؟

﴿قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنَّ تَقْوَمَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾ عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلسست برخیزی و به من سبب به من امر، توانا و امینم، اما کسی که دانشی از کتاب آسمانی داشت، گفت: پیش از آن چه بر من می آید، آن را نزد تو خواهم آورد!

﴿فَلَمَّا رَأَتْهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَكُمْ إِن كُنْتُمْ شَاكِرِينَ أَمْ كُنْتُمْ كَافِرِينَ﴾ هنگامی که سبا این تخت را نزد خود ثابت و پا برجا دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به خود شکر می کند و هر کس کفران نماید، به زیان خویش نموده است، که پروردگار من، غنی و کریم است!

سلیمان (ع) گفت: ﴿نَكُونُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرًا تَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ تخت او را برایش ناشناس سازید؛ ببینیم آیا متوجه می شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد؟!

﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ﴾ هنگامی که بلقیس آمد، به او گفته شد: آیا تخت تو این گونه است؟ گفت: گویی همان است! و

۱. تفسیر الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۵۶؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۹۳.

ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده و تسلیم بودیم! پاسخ بلقیس بسیار دقیق، خردمندانه و حکیمانه بود.^۱ این پاسخ نه تأیید کامل و اقرار بود و نه انکار و این موضع به سلیمان (ع)، کمال عقل و حکمت بلقیس را نشان داد. بلقیس وقتی حکمت و نبوت سلیمان (ع) را در می‌یابد، به جای پرستش خورشید، خداوند را می‌پرستد.

﴿وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ و او را از آن چه غیر از خدا می‌پرستید بازداشت، که او (ملکه سبا) از قوم کافران بود.

﴿لَمَّا دَخِلَى الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ﴾ به او گفته شد داخل حیاط (قصر) شو! هنگامی که نظریه آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ اما سلیمان) گفت: این آب نیست، بلکه قصری است از بلور است!

قرآن کریم زن را در چهارچوب ملکه سبا به ما نشان می‌دهد. الگوی زن سیاستمدار از نظر قرآن چنین زنی است: زنی که خردمند است. تحت تأثیر عاطفه‌اش قرار نمی‌گیرد و به خوبی حکومت می‌کند.^۲ او مهار عقل خود را به دست‌دراز و مسئولیتش موجب رشد عقلی و تکامل فکری‌اش شده به گونه‌ای که پیرو عواطف خود نمی‌رود و می‌تواند بر مردانی که در او شخصیتی نیرومند، خردمند و توانمند سراغ داشتند، حکم براند. شخصیتی که وقتی حقانیت را در می‌یابد، می‌گوید: ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و اینک با سلیمان برای خداوندی که پروردگار همه‌ان است، اسلام آوردم و تسلیم حق شدم.^۳

حضور سیاسی زنان مسلمان در عصر رسول‌الله (ص)

در عصر رسول‌الله (ص) زنان مسلمان همچون مردان در فعالیت‌های مختلف، سیاسی چون بیعت، هجرت، امر به معروف و نهی از منکر و نقد حاکمان حکومت، دفاع و حمایت از حاکم حکومت (رسول‌الله (ص))، پناهندگی دادن به مشرکان، مشورت و رایزنی در امور حکومت و

۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۲۰۷.

۲. تأملات اسلامیة حول المرأة، ص ۱۱.

۳. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۹۴.

تبلیغ برای پیشرفت دین شرکت فعال داشتند.

از نظر اسلام همان‌گونه که زن و مرد در وابستگی و استقلال وجودی مساوی‌اند، در بسیاری از امور مثل استقلال سیاسی و اقتصادی نیز یکسانند. قرآن زن را همچون مرد، مسئول و متعهد و طبعاً مستقل معرفی کرده و به او حق داده است در مسائل اصلی خود تصمیم‌گیر باشد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی که باید مبتنی بر شناخت و آگاهی باشد، شخصاً اقدام کند. در مورد زنان مسلمان صدر اسلام در اجتماع بر این نظر صریح می‌گذارد.

زمینه‌های تحول مشارکت سیاسی زنان در عصر رسول‌الله (ص)

بیعت، بیعت یک نوع مشارکت سیاسی است. یک نوع حق رأی و انتخاب است. بیعت تنها رأی دادن نیست. احزاب مسئولیت کردن است. یک نوع تعهد طرفینی است برای هر دو طرف شخص بیعت کننده و کسی که با او بیعت می‌شود.

بیعت، بستن پیمان وفاداری، اطاعت با رسول‌الله (ص)، امام، حاکم یا خلیفه است. معنای شایع و مصطلح بیعت، ادب قرآن، سنت، تاریخ، کلام و فقه سیاسی اسلام، باید عقد و پیمانی دانست که فرد بیعت کننده با امام، حاکم یا شخصی دیگری بندد تا در موضوعی خاص یا به طور عام مطیع و فرمانبردار باشد به مفاد تعهد خود ملتزم و وفادار بماند.^۱ با آغاز رسالت پیامبر اکرم (ص)، مردان و زنان مسلمان با او بیعت کردند.

نخستین بیعت در سیره نبوی، بیعت حضرت ابوبکر و خدیجه (س) با آن حضرت پس از قبول اسلام است.^۲ بعد از آن دیگر مسلمانان از زن و مرد، از آن حضرت بیعت کردند. سپس بیعت عشیره است که در سال سوم بعثت در "یوم الدار" منعقد گرفت. در این روز، رسول اکرم (ص) به فرمان الهی خواستار پذیرش اسلام و بیعت از سوی بنی‌هاشم شد و به موجب احادیث شیعه و اهل سنت، تنها حضرت علی (ع)، که کم سن‌ترین فرد خاندان بود، با

۱. لسان العرب، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ذیل واژه بیع؛ انوار الفقاهه، ج ۱، ص ۵۱۷؛ مفاهیم القرآن فی معالم الحكومة الاسلامی، ص ۲۶۱؛ الاهیات علی هدی الکتاب والسنة والعقل، ج ۴، ص ۶۳؛ نظام الحكم فی الشریعة والتاریخ الاسلامی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ البیعة عند مفکری اهل السنة والعقد الاجتماعی فی الفکر السیاسی الحدیث؛ دراسة مقارنة فی الفلسفة السیاسیة، ج ۲، ص ۱۸۰؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۹۲-۳۹۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۱.

رسول الله (ص) بیعت کرد.^۱

چگونه و با چه شرط‌هایی پیامبر اکرم (ص) با زنان بیعت می‌فرمود:
بنا به نقل ابن سعد پیامبر اکرم (ص) در حالی که روی دست خود پارچه افکنده بود، با زن‌ها بیعت فرمود.

امیمه دختر رقیقه خواهرزاده حضرت خدیجه (س) گفت: همراه تنی چند از بانوان برای بیعت آمدیم. به حضور پیامبر اکرم (ص) رفتیم و گفتیم با تو با این شرط‌ها بیعت می‌کنیم که هیچ چیز از یریک خدا قرار ندهیم، دزدی نکنیم، زنا ندهیم، فرزندان خود را نکشیم، هیچ دروغ و تهمین بر کسی ننندیم و در هیچ کار پسندیده‌ای از فرمان تو سرکشی نکنیم. پیامبر اکرم (ص) فرمود: البته آن چه می‌توان و یارای آن را داشته باشید، امیمه می‌گوید در این هنگام گفتیم خدا و رسول خدا بر ما بیعت کردند، هر بان‌ترند، سپس با آن حضرت بیعت کردیم.^۲

یکی از زنان در میان آن جلسه پیامبر اکرم (ص) پرسید: ای رسول خدا این کار پسندیده‌ای که ما را نشاید نافرمانی از تو کنیم چیست؟ فرمود اینکه مویه‌گری و نوحه‌سرایی نکنید.
رسول خدا (ص) در بیعت با زن‌ها از آن تعهد می‌گرفت که گریبان ندرند، چهره نخراشند و سخن ناپسند نگویند.^۳

بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) به گونه‌ای نیز بوده است؛ در برخی احادیث آمده است هنگامی که رسول الله (ص) به مدینه هجرت کرد، گروهی از زن‌ها که اسلام آورده بودند به حضور ایشان رفتند و گفتند: ای رسول خدا! مردان ما با شما بیعت کرده‌اند ما هم دوست داریم با شما بیعت کنیم. آن حضرت قدح آبی خواست و دست خویش را در آن فرو برد، سپس آن قدح را به هر یک از زن‌ها دادند که دست خود را در آن فرو برد، و همین کار بیعت آنان بود.^۴ در روایاتی دیگر آمده است که بیعت زنان با دست دادن از روی لباس انجام می‌شد.^۵ همچنین بنا بر

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۱؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۱، ۲۴.

۲. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱.

۳. همان، ص ۵.

۴. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۲؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۹۹، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۳۴، ج ۶۴، ص ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸.

۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ذیل آیه ۱۲ سوره ممتحنه.

برخی احادیث، گاه بیعت زنان با آن حضرت صرفاً به صورت کلامی و لفظی بوده است.^۱ علاوه بر این‌ها، اشکال دیگری نیز برای بیعت زنان در برخی احادیث ذکر شده است.

بیعت عقبه^۲ نام دویست مرد یثرب با رسول الله (ص) است. در سال یازدهم بعثت، آن حضرت با شش تن از مردم یثرب (مدینه)، از قبیله خزرج روبه‌رو شد، اسلام را بر آنان عرضه داشت و برایشان قرآن خواند. آنان به مدینه برگشتند و آن‌چه رسول الله (ص) فرموده بود، به آن‌ها گفتند.

در سال دوازدهم بعثت، در موسم حج، دوازده تن از هفت خانواده از دو قبیله اوس و خزرج در عقبه با رسول الله (ص) دیدار کردند، اسلام آوردند و با رسول خدا بیعت نمودند. مضمون بیعت این بود: «در پیش خدا شریکی برای او نگیرند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، بهتان بر او نرسانند» (ص) را در آن‌چه به خیر و صلاح است، نافرمانی نکنند. اگر بدین بیعت وفا کردند، شش هزار آقازاده آن خواهد بود و اگر خلاف نمودند، با خداست که آنان را ببخشد یا عذاب کند.^۳ چون مضمون بیعت آنان این بود که رسول الله (ص) را مانند یکی از افراد خانواده خود بدانند و همچنین فرار بوی مسلمانان و کفار جنگی صورت نگیرد و جنگ از شئون مردان است، آن را «بیعة النساء» می‌نامیدند.^۴ پس از این بیعت بود که رسول خدا مُصعب بن عمیر، را همراه آنان فرستاد تا قرآن را به آن‌ها تعلیم دهد.^۵

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، همان‌جا؛ کتانی، ج ۱، ص ۲۲۲؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۵، باب بیعة النساء.

۲. عقبه به معنای گریوه یا گردنه، راهی است که از آن به بالای کوه می‌روند. محل وقوع بیعت، گریوه‌ای است میان منی و مکه؛ نزدیک منی و پس از واقعه که در آن جا آبی از آن بنی عکرمه وجود داشته است. فاصله آن با مکه حدود پنج کیلومتر است. ر.ک: المعجم البلدان، ذیل واژه.

۳. ر.ک: السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۸۹؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۱۸؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۵۳.

۴. ر.ک: السیرة النبویه، ج ۱، صص ۲۸۹-۲۹۳؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۵۵-۲۷۶؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳۵۳-۳۵۷.

۵. الروض الانف، ج ۴، ص ۷۰.

۶. ر.ک: السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۹۳؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۰؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ تاریخ طبری، ج ۳، صص ۶۲۶-۶۲۷؛ بحار الانوار، ج ۲۱، صص ۹۷-۹۹، ۱۱۳، ۱۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۱۵۲-۱۵۳؛ نیز درباره بیعة النساء ر.ک: به مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تفسیر المیزان؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ العجاء مع الاحکام القرآن، ج ۹، جزء ۱۸، ذیل آیه.

در موسم حج سال سیزدهم بعثت و در بیعت عقبه دوم که به "بیعة الحرب" معروف است، ۷۳ مرد و دوزن (أم عماره و أم قنیع) از مدینه در مکه با آن حضرت بیعت کردند. بنا به نقل ابن سعد در شب دوازدهم ذی الحجه مسلمانان مدینه که برای اعمال حج به مکه آمده بودند در منی به نزد رسول الله (ص) آمدند. عباس بن عبد المطلب نیز همراه آن حضرت بود.^۱

آن در غه فراهم آمدند. از آن سو عباس بن عبد المطلب، عموی رسول الله (ص)، نیز همراه آن حضرت حاضر شد. عباس، حاضران را گفت: محمد از ماست و تا آن جا که توانسته ایم از او حمایت کرده ایم. اکنون او می خواهد نزد شما بیاید، اگر توان حمایت او را دارید، چه بهتر، وگرنه او را نزد ما رها کنید. گفتند: با او بیعت می کنیم که با هر که جنگ کند، بجنگیم و با هر که آشتی کند، در اسباب و شایسته بیعت را در حد بذل مال و از میان رفتن ثروت و کشتن و کشته شدن می پذیریم؛ از این رو این بیعت "بیعة الحرب" نام گرفت.^۲

آنان هیاهو کردند. عباس در حالی که دست پیامبر اکرم (ص) را گرفته بود، گفت: آرام باشید و هیاهو نکنید که بر ما جاسوسانی گمشتند و بزرگترها و سالخوردگان خود را بفرستید و آنان پیام ها را رد و بدل کنند که ما از قوم و سرشماران و نسیم و پس از اینکه بیعت کردید به جای خود پراکنده شوید. سپس گفتند: ای رسول خدا دست پیش آور تا با تو بیعت کنیم. همگی دست در دست رسول خدا (ص) نهادند و بیعت کردند.^۳

پس از این بیعت بود که رسول خدا دوازده تن از آنان را شرب و نقیب مردمشان کرد.^۴ این بیعت، مقدمه هجرت حضرت محمد به یثرب شد.

ام عماره گفت در شب بیعت عقبه در حالی که عباس بن عبد المطلب دست

۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. السیره النبویه، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۰۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۲۲۱-۲۲۲؛ انساب الاشراف، ج ۱، صص ۸-۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳۶۲-۳۶۳.

۳. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۸؛ موضوع بیعت انصار و بیعت عقبه اول و دوم در منابع معاصر با ابن سعد و در منابع بعد با شرح و تفصیل و ضبط اسامی تمام شرکت کنندگان آمده است، ر.ک: السیره النبویه ابن هشام، ج ۲، صص ۷۳-۷۴؛ نهایه العرب فی فنون الادب، ج ۱۶، صص ۲۰-۳۱۰.

۴. السیره النبویه، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۰۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۲۲۱-۲۲۲؛ انساب الاشراف، ج ۱، صص ۲۷۷-۲۷۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۳۶۲-۳۶۳.

پیامبر اکرم (ص) را گرفته بود مردان دست بردست رسول خدا می زدند، چون بیعت مردان تمام شد و فقط من و ام منیع باقی مانده بودیم همسر عمر و گفت ای رسول خدا! این دو بانو هم همراه ما آمده اند که با تو بیعت کنند، حضرت فرمود: من با آنان با همان شرط ها بیعت می کنم، که با شما بیعت کردم.^۱

پس از آن در مدینه، رسول الله (ص) به ایجاد دولت اسلامی پرداخت و مردان و زنان مسلمان با آن ضرر بیعت کردند.^۲

و در جمله بیعت هایی که در مدینه صورت گرفت، بیعت مسلمانان با رسول اکرم (ص) هنگام حرکت به سوی بدر در ابتدای هجرت بود.^۳

در سال نهم هجرت نیز مسلمانان با رسول الله (ص) بیعت کردند. این پیمان به "بیعت رضوان" و بیعت تحت پرچم "بجرحه" معروف است.

پیامبر اکرم (ص) از حبابه، که تنها شمشیری در غلاف به همراه داشتند و شمار آنان را هزار و چهارصد تا سر و دست صد تن نوشته اند، به قصد زیارت خانه خدا و ادای مناسک عمره از مدینه خارج شدند، چون به حادیبیه^۴ رسیدند، مردم مکه راه را بر آنان بستند و مانع رفتنشان به مکه شدند. رسول خدا دست کسی را که خراش و سپس عثمان را نزد آنان فرستاد. چون بازگشت عثمان دیر شد، رسول خدا سران خویش را گرد آورد و آنان بر سر جان خود با او بیعت کردند. این بیعت زیر درختی (درخت سمره) بسته شد. از سوی دیگر، فرستادگان مکه در حادیبیه با رسول خدا (ص) صلح کردند و قرار بر این شد که وی آن سال بازگردد و سال دیگر برای زیارت به مکه بیاید.^۵

این واقعه در قرآن، ذکر شده که نام بیعت رضوان و بیعت شده به همین آیه گرفته شده است: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي سُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ

۱. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۷.

۲. الاصابة في تمييز الصحابة، ج ۸، صص ۸، ۱۹۸.

۳. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۹۵.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۹۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۶۲۰-۶۲۱.

۵. دهی در فاصله یک منزلی مکه و نه منزلی مدینه، رك: المعجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۶. السيرة النبوية، ج ۲، صص ۷۸۱-۷۸۲؛ الطبقات الكبرى، ج ۲، صص ۹۵-۹۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، صص ۶۳۱-۶۳۲.

عَلَيْهِمْ^۱ خداوند همانا از مؤمنان، هنگامی که با تودر زیر درخت بیعت کردند، خشنود شد و دانست آن چه در دل آن هاست، پس آرامش را بر آنان فرود فرستاد. بعدها بیعت کنندگان به اصحاب شجره شهرت یافتند. مسجدی نیز در محل بسته شدن این بیعت وجود داشته است. خداوند در بیعت رضوان با اعلام رضایت الهی از آن بیعت، به مؤمنان بیعت کننده وعده پیروزی نزدیک داده است که مراد از آن را بیش تر مفسران، فتح خیبر و برخی فتح مکه دانسته اند.^۲

رایب بیعت نیز چهار زن (ام سلمه، ام عماره، ام منیع و ام عامر اشهلی) شرکت داشتند. بیعت آن زنان با حضرت علی (ع) به نیابت از پیامبر اکرم (ص) صورت گرفت.^۳ بیعت دیگر بیعت مردان و زنان با پیامبر اکرم (ص)، در فتح مکه در سال هشتم هجرت بود. با سقوط پایگاه مکه در مکه مردم گروه گروه نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و با آن حضرت بیعت کردند. حضور زنان در این بیعت بسیار گسترده بود.

آخرین بیعت زمان رسول الله (ص)، بنا بر برخی منابع، بیعت مسلمانان با حضرت علی (ع) در روز هجدهم سال دهم هجرت در محلی به نام غدیر خم بود؛ موضوع این بیعت، ولایت حضرت علی (ع) بود.^۴

ابن سعد در جلد هشتم الطبقات الکبری،^۵ نفر از زنان بیعت کننده با رسول الله (ص) را نام برده است. ابن اثیر در اسد الغابه و ابن حجر عسقلانی در الاصابه فی تمییز الصحابه به نام تعداد بیش تری از این زنان اشاره کرده اند.

هجرت: در زمان پیامبر اکرم (ص)، هجرت یکی از عوامل اصلی اسلام و در نوع خود، عامل بسیار مهمی بود. هجرت نوعی نه گفتن به وضع موجود است. هجرت ترک خانه و کاشانه به منظور حفظ دین و رهایی از آزار و اذیت مشرکان است. پیامبر اکرم (ص) به رومان خداوند از مسلمانان خواست تا از مکه به حبشه و مدینه هجرت کنند. در دو هجرت به حبشه و هجرت به مدینه زنان نیز همپای مردان شرکت داشتند. آنان گاه به صورت دسته جمعی و گاه به تنهایی به

۱. فتح / ۱۸.

۲. الطبقات الکبری، ج ۲، صص ۹۹-۱۰۱.

۳. معازری و اقلدی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۴. رک: بحار الانوار، ج ۳۷، صص ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۷.

سوی حبشه و مدینه هجرت کردند.

هجرت زنان اقدامی سیاسی است که ابعاد گوناگونی دارد، از یک سو به معنای طرد و نفی نظام حاکم بر جامعه و از سوی دیگر به مفهوم ابلاغ پیام آیین جدید به مراکز مستقر در جهان است. علاوه بر این هجرت اساسی‌ترین اقدام برای تأسیس حکومت اسلامی و تقویت این حکومت نوپا است.

پسندیدم که رسول الله (ص) از آن حضرت سؤال کرد که چرا در قرآن از هجرت زنان چیزی نمانده است؟ این آیه نازل شد که: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَنْتُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَلْزَمَ الْكِبْرِيَاءَ وَالْحَبْأَءَ مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتِلُوا وَقَاتِلُوا لَا تَكْفُرْنَ لَهُمْ بَيَاتِهِمْ مَذْخَلَتْهُمْ جَنَّاتُ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ قُتَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»^۱ خداوند فرمود: من هیچ عمل کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، فراموش نخواهم کرد، شما هم‌نوعید و از جنس یکدیگر! آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهایشان را می‌بخشیم و آنان را در باغ‌های بهشتی وارد می‌کنم که از زیر درختانش نهرها جاری است. این ادعای است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است.

در این آیه پاداش هجرت، جهاد و کشته شدن در راه خدا، بهشت قرار داده شده است و خداوند صراحتاً اعلام می‌کند که جنسیت در میزان پاداش مؤثر نیست.

امربه معروف و نهی از منکر و نقد حاکمان حکومتی، یکی از ضروریات اجتماعی و نظارت بر اعمال و رفتار اعضای جامعه اسلامی را به عنوان یک حق برای مرد و زن و جوان و پیر داده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ أُولَئِكَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يَطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲ مردان و زنان با ایمان، ولی و یار و یاور یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار

۱. آل عمران / ۱۹۵.

۲. توبه / ۷۱.

می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

آیه با صراحت اعلام می‌کند در جامعه پویای اسلامی، زن و مرد در مسائل سیاسی، اجتماعی و... از یکدیگر جدا نیستند و در قیام به امر به معروف و نهی از منکر یکسان شمرده شده‌اند.

همه مردم در برابر آن چه در جامعه می‌گذرد، مسئول هستند. آنان برای اصلاح امور موظف هستند که از حاکمان و زمامداران جامعه انتقاد کنند. در فرهنگ اسلامی نقد رفتار حاکمان حکومت بر مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است.

ام سلمه همسر رسول الله (ص) به مصلحت مسلمانان بسیار می‌اندیشید. او با شهادت تمام رفتار حاکمان و بزرگان را نقد می‌کرد و آنان را به معروف می‌خواند و از ادای نصیحت و ارشاد آنان به راه صواب که تلافی نمی‌کرد. او در مقابل عثمان بدون قصد آشوب موضع‌گیری نمود و او را از رفتن بر غیروش رسول الله (ص) نهی کرد.^۱

دفاع و حمایت از رسول الله (ص): دفاع از رسول الله (ص) بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. اصولاً دفاع از حق و مبارزه با اظلم بر هر مسلمانی واجب است. در غزه احد، هنگامی که معرکه جنگ به نفع مشرکان چرخش می‌یافت و افراد مسلمانان باقی ماندند تا از پیامبر اکرم (ص) دفاع کنند، ام عماره چون آن حضرت را شنا دید، سلاح به دست گرفت و به دفاع از پیامبر اکرم (ص) پرداخت و جان فشانی بسیار از خود نشان داد، چندان که زخم‌ها برداشت.^۲

پناه دادن به مشرکان: مسلمانان می‌توانستند به مکه پناه دهند و آنان را تحت حمایت خویش قرار دهند. در این صورت هیچ‌کس حق نداشت آنان را بازگرداند یا به قتل برساند. در فتح مکه سه تن از زنان صحابی به برخی از مشرکان که اعمال بی‌ایمانی بر ضد پیامبر اکرم (ص) انجام داده بودند، پناه دادند و این کار موجب شد تا رسول الله (ص) آنان را ببخشد.

یکی از این سه زن، ام سلمه همسر رسول الله (ص) بود که ابوسهیل بن حارث بن عبدالمطلب و عبدالله بن امیه بن مغیره^۳ را و دیگری ام هانی دختر بوطین (ع) خواهر

۱. ر.ک: بلاغات النساء، ص ۷.

۲. مغازی واقعی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۰۱.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۸۰.

امیرالمؤمنین علی (ع) بود که دو تن از مشرکان^۱ و سومی ام حکیم دختر حارث بن هشام بود که عکرمه بن ابی جهل^۲ را پناه داده بودند.

مشورت و رایزنی در امور حکومت: اصولاً پیامبر اکرم (ص) در مسائل سیاسی، اجتماعی و آن چه مربوط به جریان های زندگی بود، با مسلمانان مشورت می کرد. البته رسول الله (ص) نظر مشورتی افرادی را می پذیرفت که از سر علم، اطلاع، دقت و زیرکی اظهار می شد. بدین سان آن که طرف مشورت قرار می گرفت فردی هوشمند و آگاه از مسائل روز بود. پس از صلح حدیبیه رسول الله (ص) با همسر فهمیش ام سلمه مشورت کرد و رأی او را پذیرفت و به کار برد.^۳

تبلای برای پیشرفت دین: گروهی از زنان مسلمان در فضای خفقان کفر و شرک به تبلیغ دین همت گماشتند و گروهی نیز جنگجویان را در جنگ بر ضد کفار می شورانند. خنساء از طایفه بنی سلیم در تبلیغ دین کوشا بود و موجب شد تمام قبیله اش به اسلام بگروند.^۴

حضور اجتماعی زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص)

زنان نیمی از پیکر اجتماع را تشکیل می دهی. و اگر حکومت از قوت و توانایی های آنان استفاده نکند، در واقع نیمی از توان جامعه ضایع شده است. خداوند در آیات بسیاری حضور زنان را در کنار مردان در اجتماع مهم می داند و به تعاون در نیکی، امر به معروف و نهی از منکر، شرکت در حج و عمره، شرکت در نماز جمعه، نماز عیدین، نماز آیات و نماز میت، حضور در مساجد برای کسب علم و فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و غیره دعوت کرده است.

زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص) در تمام صحنه های اجتماع و سیاسی و فرهنگی و آن حضرت حضور آنان را می ستود و آنان را تشویق می کرد.

نصوصی وجود دارد که شرکت زنان در نماز میت، نماز آیات و نماز جمعه را تأیید می کند. عایشه گوید: چون زینب دختر رسول الله (ص) وفات یافت، حضرت فاطمه (ص) و سایر زنان بر

۱. السیره النبویه، ج ۴، صص ۵۹-۶۰. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۱۵.

۲. الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۸، ص ۲۲۵. الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۵۹.

۳. ر. ک: الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۶۴۹. الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۴، ص ۱۵۲.

۴. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷۷.

جنازه او نماز خواندند.^۱ همچنین وقتی سعد بن ابی وقاص وفات یافت، همسران رسول الله (ص) که در قید حیات بودند، بر او نماز خواندند.^۲ درباره نماز آیات نیز هنگام کسوف خورشید خواهرم اسماء با پیامبر اکرم (ص) نماز را به جماعت فرا خواند.^۳ زنان در نماز جمعه نیز شرکت می کردند و چون نماز جمعه اهمیت سیاسی و اجتماعی فراوانی دارد، شرکت زنان در آن نشان حضور اجتماعی ایشان است. شرکت مکرر آنان در نمازها این فرصت را به آنها می داد که آیات قرآن را حفظ کنند.

حضور اقتصادی زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص)

زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص) در عرصه کارهای اقتصادی نیز سهم به سزایی داشتند. آنان متصدی مشاغل مربوط به امور رفاه و معیشت بسیاری بودند که پیامبر اکرم (ص) نه تنها آنان را منع نمی کرد، بلکه در مواقعی اشتغال زنان را به آنان مشایخ را ترویج می فرمود. این نکته نیز حائز اهمیت است که گاهی زنان کاری را به امید ثواب انجام می دادند و تمام دستمزد خود را انفاق می کردند. برای مثال زینب دختر جحش همسر رسول الله (ص) زنی صنعتگر و پرکار بود. او دباغی و خرازی می کرد و منافع حاصل از کار خود را به مسکین می داد.^۴ عمل هایی چون بازرگانی و تجارت، کارهای اداری بازار، صنعتگری، پزشکی و جراحی، ریسندگی و بافندگی، دامداری، چوپانی، زمامداری شتران و استران، کشاورزی و باغداری، دباغی، خرازی، خیاطی، آرایشگری، شیردهی، دست فروشی، خدمتکاری و پرستاری در خانه، پرستاری از مجروحان جنگی در جبهه های نبرد، انتظامات، آموزگاری در میان زنان عصر رسول الله (ص) رایج بود.^۵ برای مثال رفیده جراح معروفی بود که خود را وقف طبابت و کمک به بیماران کرده بود و در مسجد خیمه ای برای مداوای مجروحان و بیماران داشت.^۶

۱. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۶۳.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۹۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، صص ۳۲-۳۳.

۴. اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۳.

۵. اعلام النساء، ج ۱، ص ۴۲۱.

حضور فرهنگی زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص)

در قرآن کریم آیات و روایاتی که زن و مرد را به فراگیری علم و دانش تشویق و ترغیب کرده و منزلت عالمان را رفیع، والا و ارجمند داشته، فراوان است. این آیات و روایات مربوط به علم و مقام علما نیز به طور یکسان بر مردان و زنان تطبیق می‌کند. ده‌ها آیه در قرآن، احادیث جامعیه را به علم آموزی ترغیب می‌کند و به شأن و جایگاه علم و علما پرداخته و کسانی را که خردمندی نداشته و در جهل کشت، حقایق تلاش نمی‌کنند، مورد مذمت و سرزنش قرار می‌دهد. در همه این موارد الی‌الط... به کار رفته است و زن و مرد هر دو را شامل می‌شود.

خداوند یکی از اهداف بعثت انبیاء را تعلّم انسان‌ها می‌داند: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۱ همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خودتان فرستادیم، تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب را تعلیم دهد و آن چه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد. سپس خداوند در آیه دیگری بر جایگاه علم اسلام از زن و مرد تأکید کرده و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۲ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شد، درجات عظمی می‌بخشد؛ و خداوند به آن چه انجام می‌دهید آگاه است!

نظر به تأکیدات فراوان اسلام بر علم آموزی و تمایز قائل نشدن میان زن و مرد درمی‌یابیم که تعلیم و تعلّم زن در اسلام نه تنها ناپسند نیست، بلکه در برخی موارد جزو تکالیف و وظایف دینی او شمرده می‌شود.

در فرهنگ اسلام، فراگیری تعالیم دینی به عنوان رسالت زن^۳ بوده است^۴ و برای انجام این مهم تا بدانجا پیش رفته که ولایت همسر را تحت الشعاع قرار داده است و زن و مرد می‌خواهد در صورتی که نتواند آموزش‌های لازم را به زن بدهد، زمینه کسب این آموزش‌ها را فراهم نماید و حق ممانعت از او را ندارد.^۵

۱. بقره، ۱۵۱.

۲. مجادله / ۱۱.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۹؛ الکافی، ج ۱، صص ۷۹-۸۰.

۴. مسند العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۲.

رسول الله (ص) نیز مسلمانان را به کسب علم و دانش دعوت می‌کرد و فراگیری آن را بر مردم واجب می‌دانست و می‌فرمود: "طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ"^۱ و در حدیث دیگری فرمود: "مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ وَلَا حُرٍّ وَلَا مَمْلُوكٍ إِلَّا وَفِيهِ عَلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ أَنْ يَتَعَلَّمَ مِنَ الْعِلْمِ وَيَتَّقَهُ فِيهِ"^۲ خداوند برگردن هر مرد و زن مؤمن و آزاد و بنده‌ای حقی واجب دارد و آن آموختن دانش و ژرف‌اندیشی و تفقه در آن است.

در این میان آن حضرت به گونه‌ای خاص مردم را به احسان و آموزش دختران تشویق و ترغیب می‌کرد. در حدیثی فرمود: چه احسانی بر دختران و الاثرو بزرگ‌تر از تعلیم و تأدیب آنان است؟^۳ آن حضرت حتی از تعلیم کنیزان نیز غافل نبود و اعلام کرد کسی که به کنیز خود تعلیم دهد و سپس او را آزاد و از دواج کند، دو برابر اجر و پاداش می‌برد.^۴

اسلام به تعلیم زنان اهمیت ویژه‌ای داشت و خروج آنان را از منزل جهت علم‌آموزی مجاز و حتی ضروری میدانست. کیه رسول الله (ص) بر عدم ممانعت از حضور زنان در مساجد که در حقیقت مراکز تعلیم و تعلم در صله اسلام بود، حاکی از این امر است.^۵

رسول الله (ص) موظف به ارائه دید و انگیزات به مردم بود. مسلمانان نیز معارف دینی را از آن حضرت می‌آموختند. در آن عصر زنانه تنها در مجالس عمومی حاضر می‌شدند و از آن حضرت درس می‌آموختند، بلکه با پیامبر اکرم (ص) جلسات و کلاس‌های خصوصی نیز داشتند که بدون حضور مردان تشکیل می‌شد و زنان مسائل دینی خود را بدون هیچ محدودیتی از لحاظ موضوع از آن حضرت می‌پرسیدند و پاسخ خود را دریافت می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) نیز آنان را بر این امر تشویق می‌کرد و می‌فرمود: در یادگیری امور دین شرم و حیا نداشته باشید.^۶

و می‌فرمود: زنان انصار خوب زنانی هستند. شرم و حیا ندارند و از تفقه در دین باز

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۸۲.

۳. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۹۱؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۳۸.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۱، ج ۳، ص ۳۵۸؛ المرأة ومكانتها فی الاسلام، ص ۵۵؛ عمل المرأة فی المنزل وخارجها، صص ۶۸-۶۹.

۵. المصنف صنعانی، ج ۳، ص ۱۴۶.

۶. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۲؛ صحیح مسلم، ج ۱، صص ۱۷۱-۱۷۲.

نداشته است.^۱

آموزش قرآن آن چنان مهم بود که گاه به عنوان مهریه زنان قرار می گرفت.^۲

در محیط مدینه و به آموزگاری رسول الله (ص) و تشویق و ترغیب آن حضرت به آموختن علم و دانش، زنان بسیاری فرصت فراگیری دانش را یافتند و توانستند در فقه، روایت حدیث، آموزش قرآن، و حتی علاوه بر علوم دینی در طبابت، تاریخ، شعر و ادب همپای مردان بدرخشند. آمار زنان ادیب و دانشمند خاندان بنی هاشم از دیگر خاندان ها بیش تر بود. مشهورترین زنان آموزش دیده به رسالت عبارتند از: دختران عبدالمطلب، فاطمه (س)، عایشه، حفصه، ام سلمه، جریره، همسان رسول الله (ص)، خنساء شاعر مشهور، شفاء دختر عبدالله، ام کلثوم دختر عقبه و کریمه دختر فداد. در کتب تاریخی شرح حال ۱۵۰۰ تن از زنان محدث در سده نخست هجری ثبت شده است.^۳

بسیاری از علمای سنی و اهل حکام فقهی از طریق زنان مسلمان محفوظ مانده است.^۴ زنان و دختران پیامبر اکرم (ص) به عنوان نزدیک ترین افراد به ایشان در علم اندوزی و ترویج دانش پیشگام دیگر زنان بودند.

گاهی زنان افزون بر فراگیری دانش، بر اسناد تعلیم نشست و موجب گسترش علم و دانش می شدند. شفاء اولین معلم زن در اسلام بود. پس از این که اسلام آورد، به امر تعلیم مسائل اسلامی به زنان مسلمان مشغول شد.^۵

در خاندان رسالت، فاطمه (س) معلم زنان بود. آن حضرت جلسات عمومی تدریس برای زنان داشته است. گاهی نیز آنان به صورت فردی به او می آمدند و سؤالات دینی خود را می پرسیدند.^۶

۱. المرأة و مكانتها فی الاسلام، ص ۵۵.

۲. اعیان الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۴۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. ر.ک: الاصابه فی تمییز الصحابه؛ تهذیب الاسماء؛ تاریخ بغداد.

۴. ر.ک: الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۴۵۵.

۵. ر.ک: الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۱۶-۳۱، ۴۲-۱۰۴.

۶. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸۴۱؛ فتوح البلدان، ص ۶۶۱.

۷. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲، ص ۸، ج ۴۳، صص ۴۶، ۶۶، ۸۰.

بعضی از همسران رسول الله (ص) چون عایشه، ام سلمه، میمونه و جویریّه نیز معلم زنان بودند. عایشه از جمله صحابیانی است که از پیامبر اکرم (ص) روایات بسیاری نقل کرده است. ام سلمه نیز کثیر الروایه بود. از او ۳۷۸ حدیث نقل شده است که بسیاری از زنان و مردان صحابی و تابعی از او نقل روایت کرده‌اند.^۱

زنان صحابی نیز فراگیری علوم دینی را امر بسیار مهمی تلقی کرده و در آن بسیار کوشا بودند. اسماء بنت ابی بکر عس خثعمی، ام هانی دختر ابوطالب (ع) و ام عطیه انصاری از جمله این زنان هستند.

حضور نظامی زنان مسلمان در عصر رسول الله (ص)

جهاد و جهادگران در تاریخ اسلام از مقام والایی برخوردار است و در آیات بسیاری ستوده شده‌اند. در این آیات بی‌شمار مرد نظامی وجود ندارد. "الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا"

در آیاتی که فضیلت مجاهدان بر راه خدا بیان می‌شود، ارزش جهاد به جنس خاص محدود نشده است: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُلاً وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا بَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲ (هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و عارضه‌ای، جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند. مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان (ترک‌کنندگان جهاد) برتری بیش‌تر بخشیده؛ و به هریک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مردان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. درجات (مهمی) از ناحیه خداوند به مجاهدان و رحمت (نصیب آنان می‌گردد)؛ و (اگر لغزش‌هایی داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است. شواهد بسیاری وجود دارد که زنان مسلمان به گونه‌های مختلف در غزوه‌ها و سوره‌های مسلمانان در عصر رسول الله (ص) شرکت داشتند. حضور نظامی آنان در عرصه‌های مختلف به

۱. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. برای نمونه ر.ک: نساء من عصر النبوة، ج ۱، صص ۱۷۴، ۵۳۸، ج ۲، صص ۱۹۴، ۲۲۵-۲۲۶.

۳. نساء / ۹۵-۹۶.

برای اطلاع مبسوط از تعداد و اسامی زنان صحابی رسول الله (ص) می‌توان به کتب تاریخی از جمله جلد هشتم الطبقات الکبری ابن سعد، جلد هشتم الاصابه فی تمییز الصحابه ابن حجر عسقلانی، جلد چهارم الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ابن عبدالبر، جلد ششم اسد الغابه ابن اثیر و اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام عمر رضا کحاله رجوع نمود.

هر چند در این کتاب کوشش شده است که زندگانی زنان پیرامون رسول الله (ص) که یا رابطه نسبی سببی داشته و یا از زنان صحابی آن حضرت محسوب می‌شده‌اند، از ابعاد مختلف بررسی گردد، ولی آن را خالی از لغزش و اشکال ندانسته و چشم انتظار راهنمایی‌های ارزنده خوانندگان فهیم می‌باشم.

لازم می‌دانم از استاد گرانقدر، محقق فرزانه، دانشمند فرهیخته، مورخ، ادیب و مترجم برجسته معاصر، آقا دکتر محمود مهدوی دامغانی که با ترجمه‌های شیوا و بی‌نظیر متون قدیمی تاریخی و اسلامی تحت الالباس به گردن حوزه‌های علم و دانش کشور دارد، مراتب سپاس خویش را از قبول مطالعه و چاپ و نگارش مقدمه‌ای عالمانه بر آن ابراز دارم.

همچنین از همسر فداکار و فرزندان عزیزم که در فراهم آوردن محیطی آرام و مناسب برای تحقیق و نگارش مددکارم بودند، مراتب سپاس و تشکر را ابراز می‌کنم. امیدوارم اعمال آنان مرضی درگاه حضرت احدیت و پیامبر مصلی (ص) واقع گردد.

بِأَجْرِ عَوْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موسییه محمدزاده

۱۱ شهریور ۱۳۹۰ / ۲۵ شوال ۱۴۳۴